

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1396/01/28



موضوع: شرط پنجم از شرائط صحت وضو

«الشرط الخامس: أن لا يكون ظرف ماء الوضوء من أواني الذهب أو الفضة وإلا بطل، سواء اغترف منه أو أداره على أعضائه وسواء انحصر فيه أم لا» [1] یکی از شرائط صحت وضو به عنوان شرط پنجم می فرماید که باید ظرف و آلاتی که به وسیله آن ظروف و آلات وضو گرفته شود باید فضه و ذهب نباشد که استعمال اوانی و ظروف طلائی و نقره ای اشکال دارد و مشروعیت ندارد و وضو در ظرفی که مشروعیت ندارد توسط ظرفی که شرعاً استعمال آن ظرف اشکال دارد وضو صحیح نخواهد بود. لذا اگر کسی با یک آفتابه طلائی یا یک لیوان طلائی که ظرفیت برای آب داشته باشد آب بریزد وانگهی از آن ظرف وضو بگیرد وضویش باطل است. این مسئله باز هم مثل مسائل دیگر واقعیت عملی عینا اگر نداشته باشد قواعدی که در ضمن مسئله بحث می شود می تواند برای ما در جهت بحث استدلالی فقهی کمک کند.

شرح مسئله

سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه در بحث اوانی فرمودند که از اوانی ذهبی و فضه ای می شود برای وضو استفاده کرد که شرح آن را قبلاً داده بودیم. [2]

قاعده ترتّب

فقط اشاره کنم، مطلبی که آنجا مطرح بود یک قاعده بود و آن قاعده ترتب بود که اگر کسی در آن شرائطی که ظرف طلا باشد و برای آب وضو وظیفه تیمم است اما اگر کسی مخالفت کرد از آن ظرف استفاده کرد یک حرمت مقدماتی را مرتکب شده است ولیکن عمل بعدی که وضو باشد درست است. این معنای ترتب است که با یک تخلّفی در مرحله واجب اهم می رسد به امتثال واجب مهم، که محقق خراسانی قائل به ترتب نیست و محقق نائینی و سیدنا الاستاد می فرمایند: ترکب امر ممکن است و واقعیت هم دارد. مشکل ترتب جمع بین امر مهم و امر به اهم است اگر مکلف امر اهم را مخالفت کند امرش ساقط می شود، امر مهم محرک است و می تواند آن امر برای ما کمک کند تا مامور به به امر مهم را انجام بدهیم. اینجا تطبیقش این می شود که استفاده از ظرف غصبی حرام است و مقدم است بر وضو گرفتن می شود این حرمت اهم و اما وضو گرفتن که پس از آن به وجود می آید امر مهمی است. اگر مکلف امر اهم را مخالفت کند و آب را از ظرف غصبی بردارد یک مخالفتی است پس از آن امر وضو باقی است. مخالفت یک امر باعث سقوط امر دیگر نمی شود. امر وضو به قوت خودش باقی است و می توانیم از آن آبی که از ظرف غصبی برداشته شده وضو بگیریم.

اشکال و جواب

اشکال و جواب: اشکال این بود که فعل وضو و فعل عبادی باید مقدور باشد شرعاً و عقلاً، عقلاً امکان داشته باشد و شرعاً منهی عنه نباشد. اینجا استفاده از ظرف غصبی منهی عنه است. جواب: در اینجا قاعده ای را سید اعلام می کند و آن این است که اشتراط قدرت در تکلیف که یک امر ضروری در فقه است منظور از این اشتراط قدرت این نیست که قدرت قبل از تکلیف باید وجود داشته باشد، قدرت در حین تکلیف تدریجاً هم اگر وجود داشت کافی است. چون منظور از اشتراط تکلیف به قدرت اشتراط به قدرت در امتثال است. قدرت در امتثال در حال عمل هم می تواند قدرت به وجود بیاید و امتثال انجام بشود. قدرت تکلیف قبل از امتثال دلیل و وجه ندارد. لذا قدرت در این مورد به تدریج محقق می شود. مکلفی که از ظرف غصبی یا ظرف ذهب و فضه ای آب برمی دارد همین کف اول که آمد بیرون اینجا قدرت است در همین حد، صورت تان را می شوید و این کف آب دیگر آب مباح است و ظرف ممنوع التصرف بود آب مباح است. آب را که برداشتید حرمت ظرف به آب که سرایت نمی کند. دست مباح است و ملک حقیقی شماست و آب هم که مباح است با آن دست تان آب را می گیرید همان لحظه وضو می گیرید یک جزء انجام شد با قدرت در همان حال. جزء دوم قبل از امتثال قدرت ندارید دست می برید به داخل ظرف طلائی یا ظرف غصبی آب را می گیرید، آب را که برداشتید باز هم در حال امتثال قدرت وجود دارد. منهی عنه دیگر نیست. آبی که بیرون آمده از ظرف، استعمال آن آب که منهی عنه نیست. قدرت تدریجی هم در امتثال کافی است.

سوال:

پاسخ: دو عمل است یک وضو هست که خود اغتسال است و یکی هم تصرف در ظرف طلائی است. از ظرف طلائی که آب را بگیرید خود دست گذاشتن داخل ظرف تصرف است این کار را کردید و یک کار حرامی است. آب الان با دست تان آمد بیرون، این آب الان آب جدایی است. این جدایی اش یک امر وجدانی است، دست ما هست و آب مباح و وضو گرفتن هم بلا مانع. در این رابطه سیدنا فرمودند که وظیفه می شود تیمم ولی اگر کسی چنین کاری بکند براساس ترتب وضو درست است. اما سید طباطبائی می فرماید: استفاده از ظرف آبی که آن ظرف طلائی باشد در وضو درست نیست و وضو گرفتن از آبی که داخل ظرف طلائی باشد باطل است. برای اینکه رأی و نظر ایشان همان است که استعمال محرم است و استعمال محرم قابلیت تقرب ندارد. سید طباطبائی که می فرماید: وضو باطل است یعنی این گونه وضو گرفتن را تصرف در ظرف طلائی می داند و تصرف که محرم است آن تصرف محرم به وضو منتهی می شود و قابلیت تقرب ندارد.

در صورت انحصار آب برای وضو

این در صورت عدم انحصار، بعد می فرماید: «مع الانحصار یجب أن یفرغ ماء فی ظرف آخر ویتوضأ به» در صورتی که انحصاری در کار باشد یعنی یک آبی برای وضو دارید در یک ظرف غصبی یا ظرف طلائی و ظرف مباح دیگری هم دارید ولی آب همان است، واجب است که آب را از ظرف محرم استعمال بگیریم به ظرف مباح منتقل کنیم. وانگهی از آن ظرف وضو بگیریم. چرا واجب است؟ به خاطر مقدمه واجب، مقدمه وضو باید مباح باشد نه محرم. بعد می فرماید: «وإن لم یمكن التفریغ إلا بالتوضؤ یجوز ذلك حیث إن التفریغ واجب» و اگر تفریغ ممکن نباشد که ظرف غصبی و طلائی را خالی کنید، راهی نداشته باشد که به ظرف دیگری خالی کنید مگر به وسیله وضو، اگر این جوری بود می فرماید: در این صورت وضو گرفتن جایز است. تفریغ در صورتی که منحصر بود تفریغ هم واجب است، رأی شیخ انصاری این بود که خروج از ارتکاب حرام که زمین غصبی باشد یا ظرف طلائی خروج به قصد تخلّص یا عقلاً واجب است یا عقلاً. و شرعاً پس حرمت ندارد. فراغ ظرف که استعمال است و آب گذاشته اید استعمال محرمی است آب را خارج کنید می شود خروج از ارتکاب محرم. این خروج یا واجب است عقلاً یا عقلاً. و شرعاً پس حرمت ندارد. این فراغ و خالی کردن که حرمت نداشت جایز است که از آن آب وضو بگیریم چون دیگر حرمت ندارد. حرمت که ندارد وضو جایز است. لذا اگر وضو با آن آب گرفته شود جایز و بلا اشکال است.

کلام سید الخوئی در این مسئله

سیدنا الاستاد در این رابطه شرحی دارد می فرماید: درباره تفریغ باید دقت کرد که تفریغ

استعمال است یا استعمال نیست. می فرمایند: ظروف و آلات برای هر کاری که آماده شده است یعنی به عبارت دیگر کاربرد و استعمال خاصی دارد اگر کاربردش در غیر آنچه که استعمال حقیقی آن است در نظر گرفته شود استعمال نیست. می فرمایند مثلاً برای سماور و قوری تفریغ استعمال است برای همان کاری که از سماور و قوری گرفته می شود این است که آب را خالی کند به فنجان یا به لیوان بریزد و منتقل کند، این کاری است برای این دو وسیله آماده شده و استعمال به حساب می آید. اما ظرفی که برای غذاخوری است، غذا باید بگذاریم، اگر یک وقتی آب گذاشتیم داخل آن، تفریغ از ظرفی که برای غذاخوری است تفریغ یعنی ریختن آب از ظرف غذاخوری برای وضو متعارف نیست. این ظرف برای تفریغ آماده نشده است لذا این گونه تفریغ استعمال به حساب نمی آید. [3] این یک مطلب که فرق است بین استعمالی که متناسب و تنظیم شده برای آن شیء باشد و استعمال غیر متعارف که آن را عرف استعمال نمی گوید و در لسان فقه استعمال محرم است و آن استعمال نیست. بنابراین در تفریغ از ظرفی که برای غذا و اکل طعام هست تفریغ آب استعمال نیست که از ظرف غذا آب بریزد و وضو بگیرد. بنابراین استعمال که نبود تفریغ محرم نیست. چون که در لسان شرع استعمال محرم است و آن تفریغ عرفاً برای این شیء استعمال نیست. می فرماید: تفریغ محرم نیست اما اگر وضو بگیرید از آن آبی که داخل ظرف محرم الاستعمال است وضو وجه صحت ندارد. برای اینکه وضو گرفتن از آن آب وجه شرعی ندارد، عدم حرمت تفریغ شرعیت برای وضو درست نمی کند. وضو استعمال به حساب می آید. وضو که استعمال به حساب بیاید هرچند برای تفریغ نبوده، به شکل تفریغ هم شما وضو بگیرید وضو گرفتن از ظرف طلائی و ظرف غصبی استعمال است. در صورتی که استعمال باشد می شود محرم و قابلیت تقرب را ندارد. بنابراین می فرماید این تفریغ هرچند به حسب ذات اشکال نداشته باشد ولیکن وضو گرفتن استعمال است. یک توضیحی بدهیم که چطوری می گوئیم وضو استعمال است، تفریغ استعمال نیست و محرم نیست اما وضو استعمال است؟ منظور سید آنچه که ما می فهمیم این است که از استعمال استفاده از ظرف غصبی یا ظرف طلائی را منظور نظر داشته باشد. خود تفریغ بدون وضو استعمال نیست اما اگر وضو بگیریم استفاده می کنیم از ظرفی که در آن ظرف آب است و آن ظرف هم ظرف طلائی است یا ظرف غصبی است، استعمال به حساب می آید و قابلیت تقرب در کار نیست وظیفه اولی تیمم است اگر اقدام بکند به مخالفت امر وانگهی نوبت به ترتب می رسد.

اما صورت جهل یا نسیان یا غفلت

بعد می فرماید: «ولو توضأ منه جهلاً أو نسياناً أو غفلة صح كما في الآنية الغصبية» می فرماید: اگر کسی وضو بگیرد از آن آبی که در داخل ظرف طلائی هست یا ظرف غصبی جهلاً یا نسیاناً یا غفلتاً درست است. چنانچه که در ظروف غصبی گفتیم.

دو نکته برای صحت

دو تا نکته برای صحت این مطلب اعلام می شود: یک نکته اش این بود که شرط ذکر می باشد نه شرط واقعی. و ریشه شرط واقعی و ذکر می باشد که اگر دلیل اعتبار شرط اطلاق باشد شرط می شود شرط واقعی، اگر دلیل اعتبار شرط اجماع باشد شرط می شود ذکر. که فقط حالت ذکر را می گیرد و قدر متیقن است و خارج از قدر متیقن شک می کنیم و دلیل لبی کارایی در مشکوک ندارد. اما نکته دوم که مصحح اعلام می شود این است که قصد تقرب متمشی می شود. سیدنا الاستاد می فرماید: این مسئله همان است که سید فرموده است که قصد قربت متمشی می شود و قصد قربت که متمشی شد عبادت درست است. برای اینکه مکلف اقدام می کند برای وضو به عنوان یک عبادت، غفلت دارد نهی متوجه ایشان نمی شود، نسیان کرده است باز هم نهی به او توجه ندارد. در نسیان هم گفتیم که در فرازهای حدیث رفع آن فرازی که به وسیله نسیان رفع می شود رفع واقعی است. بنابراین یا واقعاً حکم درباره اش وجود ندارد که نسیان باشد یا خطاب متوجه او نمی شود. بنابراین وضو عبادت است و با قصد قربت انجام می دهد. قصد قربت که متمشی شد عبادت درست است و اشکالی در این رابطه دیده نمی شود.

تتمه مسئله

یک تتمه ای دارد: «والمشكوك كونه منهما يجوز الوضوء منه كما يجوز سائر استعمالاته» [4] تا به اینجا آنچه که گفتیم مربوط بود به ظرفی که یقیناً غصبی و از طلا. و نقره باشد اما اگر شک بکنیم مخلوط ظرف، آب طلا دارد یا غصبیتش هم مشکوک است اگر شک در غصبیت و شک در طلا بودن ظرف داشته باشیم هیچ گونه مانعی ندارد و می شود وضو بگیریم. به خاطر اینکه هر عنوانی که موضوع حکم می شود عنوانی است که محرز و معلوم باشد، عنوان مشکوک موضوع حکم نیست. مضافاً بر اینکه سید الحکیم می فرماید: اصل در این مورد برائت است، بنابراین در موردی که شک در غصبیت داشته باشیم نسبت به ظرفی می توانیم وضو بگیریم. [5] از این رو در ظروف و فرشی که از مومنین است و گاهی بروید مهمان بشوید یا وارد بشوید استفاده کنید سوال لازم نیست، مسلمان بودن و مومن بودن کافی است فحص لازم نیست، شبهه وسوسه است باید حمل بر صحت بشود و استفاده از فرش و ظرف برای وضو و نماز اشکال ندارد، و الله هو العالم.

[1] العروه الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج 1، ص 175.

[2] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، السید ابوالقاسم الخوئی، ج 4، ص 302.

[3] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، السید ابوالقاسم الخوئی، ج 5، ص 349.

[4] العروه الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج 1، ص 176.

[5] مستمسک العروه الوثقی، السید محسن الطباطبائی الحکیم، ج 2، ص 441.